

# آینه‌های شکسته

نگاهی به ترجمه قدیم و ترجمه پیروز سیار  
از عهد عتیق در پرتو متن عبری

۲۱۵-۲۳۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

**چکیده:** مقاله حاضر به بررسی دو ترجمه از عهد عتیق در پرتو متن اصلی آن، زبان عبری متمرکز است. شواهد مورد مطالعه در چهار بخش، به ترتیب به امتیازهای ترجمه قدیم و ترجمه سیار، سپس نقاط ضعف آنها می‌پردازد.

پژوهش حاضر به این نتیجه رهنمون شده است که زبان اصلی تورات، همواره از زبان مقصد فراتر می‌باشد، و مخاطب فنی همواره برای دریافت ظرائف متن، ناگزیر از مراجعه به چندین ترجمه است؛ چه اینکه اساساً در مورد متون کلاسیک و فاخر ترجمه‌ها چون آینه‌های شکسته عمل می‌کنند. از اینرو، در جامعه علمی فارسی زبان مخصوصاً در پژوهش‌های تطبیقی صرفاً با اتکا به یک ترجمه، نمی‌توان از سوء فهم و برداشت‌های ناستوار ایمن بود.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌های سامی، عهد عتیق، ترجمه‌های فاسی تورات، ترجمه قدیم، ویلیام گیلن، ترجمه پیروز سیار

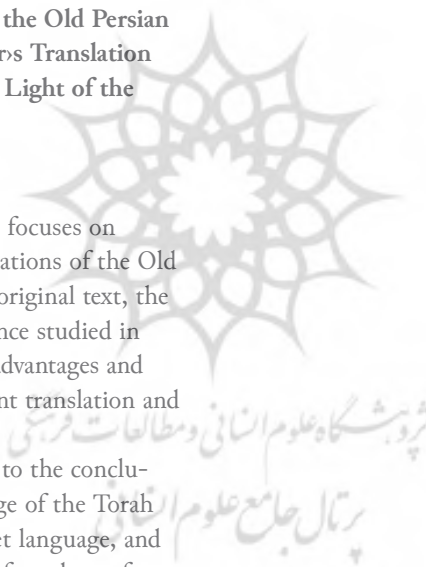
## Broken Mirrors: A Look at the Old Persian Translation and Piroz Sayyar's Translation of the Old Testament in the Light of the Hebrew Text

Heider Eiyazi

**Abstract:** The present article focuses on examining two Persian translations of the Old Testament in the light of its original text, the Hebrew language. The evidence studied in four sections deals with the advantages and then weaknesses of the ancient translation and Sayyar's translations.

The current research has led to the conclusion that the original language of the Torah is always more than the target language, and the expert audience is always forced to refer to several translations to understand the nuances of the text. Basically, translations act like broken mirrors in the case of classic and magnificent texts. Therefore, in the Persian-speaking scientific community, especially in comparative researches, relying only on a translation, one cannot be safe from misunderstandings and improper perceptions.

**Keywords:** Semitic languages, Old Testament, Persian Translations of Torah , Old Translation, William Glenn, Pirouz Sayyyar Translation



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## درآمد

مقاله حاضر مجموعه یادداشت‌های راقم این سطور در مراجعه به ترجمه‌های فارسی بابیل در ضمن کلان پروژه «بررسی و نقد روابط بینامتنی قرآن و متون پیشین با تکیه بر متون عبری و سریانی» است که امیدوارم جلد نخست آن ذیل عنوان فرهنگ تطبیقی تورات و قرآن: واژگان مشترک عبری-عربی، به زودی منتشر شود.<sup>۱</sup> به همین ترتیب، معرفی و بررسی ترجمه‌های عبری قرآن نیز در سال‌های اخیر در واقع از دستاوردهای این پروژه بوده است.<sup>۲</sup>

مجموعه تورات عبری (در اصطلاح تَنخ)،<sup>۳</sup> به عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات جهان، همواره الهام بخش متفکران و دانشمندان برجسته جهان بوده است. جامعه علمی در جهان اسلام در سایه سنگین انگاره‌های کلامی چون تحریف از مطالعه همدلانه آن دور بوده است.<sup>۴</sup> حتی تلاش پژوهشگران انگشت‌شمار در دوره‌های مختلف چون بقاعی (۸۰۹-۸۸۵ ق/ ۱۴۰۶-۱۴۸۰ م) در سده نهم،<sup>۵</sup> و زین العابدین بن محمد (حدود ۱۲۲۷ ق/ ۱۸۱۲ م) در دوره قاجار<sup>۶</sup> برای آشتی دادن مسلمانان با این متن و بلکه ضرورت مراجعه به آن برای فهم عمیق تر قرآن،<sup>۷</sup> به حاشیه رفتند.

باید توجه داشت که در مورد تورات، و البته همه متون مقدس از جمله قرآن، با یک متن فاخر و کلاسیک مواجهیم. به طوری که فنی‌ترین ترجمه‌ها نیز از انعکاس عناصر زیباشناختی زبان مبدأ ناتوان‌اند. همانطور که امکان ترجمه‌پذیری متن قرآن در جهان اسلام از مباحث پر دامنه بوده، در غرب نیز این موضوع در مورد بابیل موافقان و مخالفان سرسخت خود را داشته؛ خوشبختانه وجود منابع

۱. درباره اهمیت و ضرورت این مباحث در مطالعات قرآنی نک. فصل‌های سه‌گانه از بخش نخست کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی تطبیقی قرآن و تورات، ۱۳۹۶، ص ۶۲، ۲۳.

۲. به ترتیب تاریخی نک.

حیدر عبیوضی، مصطفی زراقی، محمدعلی طباطبایی، «سوره نمل: مقایسه ترجمه‌های عبری یوزف ریولین و اوری رویین»، آینه پژوهش، ش. ۱۷۵، ۱۳۹۸؛

حیدر عبیوضی، «معرفی ترجمه عبری قرآن از اسعد نمر بصول»، ترجمان وحی، ش. ۴۶، ۱۳۹۸.

۳. «بررسی ترجمه عبری قرآن از اسعد نمر بصول»، ترجمان وحی، ش. ۴۷، ۱۳۹۹.

۴. «ترجمه‌های عبری قرآن به مثابه تفاسیر یهودی ناشناخته: بررسی نسخه بازنویسی اوری رویین»، آینه پژوهش، ش. ۱۹۱، ۱۴۰۰.

۵. تَنخ: سرواژه یا نام اختصاری برگرفته از بخش‌های سه‌گانه تورات عبری: توره (شریعت/اسفار خمسۀ موسی)، نیبئیم (کتاب انبیاء) و کتوبیم (مکتوبات)؛ حرف /k/ در انتهای کلمه به صورت /k/ /x تلفظ می‌شود.

۶. نک. سراسر کتاب تاریخ تحریف‌باوری در اسلام، محمدعلی طباطبایی، نشر نی، ۱۴۰۱.

۷. کتاب بقاعی با عنوان رسالة الأقوال القویمة فی حکم النقل من الکتب القدیمة نخستین اثر منسجم در دوره میانه (قرن نهم هجری) است که در دفاع از استناد به بابیل در تفسیر قرآن می‌باشد. تصحیح عالمانه آن به قلم ولید صالح با مشخصات ذیل در اختیار است:

Walid Saleh, *In defense of the Bible: a critical edition and an introduction to al- Biqā'ī's Bible treatise*. Leiden, New York & Köln: E.J. Brill, (Islamic History and Civilization, 73), 2008, 233pp.

۸. نک. رساله دکتری با عنوان روش‌شناسی مصباح الظلمات فی تفسیر التورات: (مقدمه تحلیلی به همراه تصحیح دیباچه و سه باب نخست سفر پیدایش)، حیدر عبیوضی، دانشگاه ادیان و مذاهب، زمستان ۱۳۹۷.

۹. به عنوان نمونه نک. مقاله «تفسیر بینامتنی از آیه ۶۹ سوره احزاب بر اساس ترجمه‌های آلمانی و عبری قرآن کریم»، حیدر عبیوضی، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۱، ش ۲۱، اسفند ۱۳۹۶، ص ۸۷، ۱۰۹.

مختلف در این حوزه ما را از طرح آنها بی نیاز می کند. اما به بهانه موضوع مقاله، در رابطه با پیچیده بودن زبان تورات به یک مثال بسنده می کنم.

ریشه امر *mri* از ریشه های مشترک در برخی زبان های سامی است؛ مشخصا در عربی و عبری بر معنای اولیه «دستور دادن» دلالت دارد. کاربردهای آن در هر دوی آنها گسترده است؛ در قاموس های کلاسیک عربی، ابن فارس پنج اصل معنایی برای آن ذکر کرده است.<sup>۸</sup> در تنخ مشتقات این ریشه بسامد بالایی، حدود ۵۳۰۰ مرتبه دارد؛ اما به لحاظ ظرایف معنایی به طور فوق العاده غنی است. در قاموس های تخصصی گفته می شود شاید مناسب ترین معادل برای این فعل در تنخ، فعل *sagen* «گفتن» در زبان آلمانی باشد که به اعتبار پسوندهایی که می گیرد گستره معانی آن را بهتر منعکس می کند، از جمله: *ansagen* اعلان کردن، *aussagen* اظهار داشتن، *zusagen* قول دادن، *absagen* رد کردن، *vorhersagen* پیش بینی کردن، *nachsagen* تکرار کردن. اما این نیز نمی تواند همه معانی فعل عبری را منعکس کند و ما ناچاریم از دیگر افعال آلمانی استفاده کنیم: *mitteilen* کسی را مطلع ساختن از، خبر دادن، *nennen* خواندن، *benennen* نامیدن، *erwähnen* ذکر کردن، *zusichern* تضمین کردن، *widersprechen* نقض کردن، *antworten* جواب دادن، *rühmen* ستودن، *lästern* کفر گفتن، *befehlen* دستور دادن، *zu sich selber sagen* حدیث نفس کردن، *denken* اندیشیدن، *überlegen* تأمل کردن، *erwägen* سنجیدن، *erörtern* بحث کردن، *deuten* نشان دادن، *beduten* معنا داشتن.<sup>۹</sup> نادیده گرفتن توسعه معنایی این فعل در مواردی موجب طرح این ادعای ناستوار می شود که متن عبری تورات دچار آشفتگی است! در ادامه، یک نمونه از اهمیت ترجمه آن، ذیل بخش چهارم، نقاط ضعف ترجمه پیروز سیار خواهد آمد.

اکنون، پس از معرفی اجمالی دو اثر منتخب، متن مقاله را در چهار بخش پی می گیریم؛ بخش نخست به امتیازهای ترجمه قدیم می پردازد؛ امتیازهای ترجمه پیروز سیار در بخش دوم قرار دارند. بخش های سوم و چهارم به ترتیب به نقاط ضعف آن دو متمرکزاند. در نهایت، جمع بندی مقاله به برخی بایسته های پژوهشی اختصاص دارد.

ترجمه قدیم: به سال ۱۸۴۵ ویلیام گلن با همکاری میرزا محمد جعفر شیرازی و فاضل خان همدانی بخش عهد عتیق را از عبری به فارسی برگرداند. انتشارات ادینبورگ با ضمیمه کردن ترجمه عهد جدید که پیشتر توسط هنری مارتین و دستیاری میرزا سید علی خان شیرازی در ۱۸۱۲ انجام گرفته بود، به این ترجمه، نسخه کامل را در ۱۸۴۶ منتشر کرد. بعدها رابرت بروس با همکارانش به ویراست این اثر همت گمارد (لاپزیک، ۱۸۹۵)؛<sup>۱۰</sup> این نسخه در دهه های اخیر از سوی انتشارات ایلام (لندن) به

صورت دو ستونه چاپ می‌شود. نسخه مورد استفاده در این مقاله به سال ۲۰۰۲ تعلق دارد. انتخاب این ترجمه از میان ترجمه‌های فارسی به جهت محبوبیت و اعتبار آن در جامعه علمی فارسی زبان می‌باشد که از ردیه دفاعیه‌های اسلامی عصر ناصر الدین شاه تا پژوهش‌های تطبیقی معاصر، پای ثابت منابع بوده است.

ترجمه پیروز سیار: این ترجمه بر اساس نسخه فرانسوی با عنوان *L' Ancien Testament*، چاپ ۱۹۹۸ می‌باشد؛ مترجم در بخش پایانی از مقدمه خود به تفصیل به معرفی این نسخه پرداخته است. این ترجمه در ۱۳۹۳ توسط انتشارات هرمس به زیور طبع آراسته گردید و درست سال بعد، ۱۳۹۴ تجدید چاپ شد؛ مترجم مقدمه خود را در چاپ دوم نسبت به چاپ نخست بسط داده، مشخصا در معرفی پیشینه ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس (از ۳ صفحه به ۱۲)، که خیلی مغتنم است. البته توضیحات مندرج در معرفی یکی از ترجمه‌ها، مشکوک به نظر می‌رسد! عین عبارت ایشان چنین است:

«مقارن همین ایام، تورات به اهتمام عالمان یهودی و مسلمان از عبری و به صورت بین سطری ترجمه شد. نسخه‌ای از این برگردان که تاریخ تحریر آن ۱۲۱۶ق. (۱۸۴۵م.) است، در کتابخانه آستان رضوی نگهداری می‌شود» (مقدمه چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۵۴، بند چهارم).

متأسفانه ایشان اطلاعات بیشتری از این ترجمه ارائه نداده، دست کم شماره نسخه! اما بر اساس تاریخ تحریر آن یعنی ۱۲۱۶ق. محتملا مقصود نسخه‌های ۵۰، ۵۱ و ۵۲ بوده که ذیل عنوان ترجمه تورات در کتابخانه آستان قدس قرار دارند. اگر حدس ما در تطبیق نسخه‌ها درست باشد، باید گفت که به یمن کشف رونوشتی از مقدمه این ترجمه (نسخه آستان قدس فاقد مقدمه است) با عنوان مصباح الظلمات فی تفسیر التورات در کتابخانه گلپایگانی قم (شماره ۱۴۶/۲۰-۴۰۲۶)، امروزه مطمئن هستیم که اثر مذکور کار مشترک عالمان یهودی و مسلمان نیست، بلکه ترجمه یک عالم شیعی گمنام به نام زین العابدین بن محمد (ساکن عراق، محتملا کاظمین) است که به سفارش میرزا عیسی قائم مقام (د. ۱۸۲۲) و درخواست عباس میرزا (د. ۱۸۳۳) مجموعه اسفار خمسه را از عبری به فارسی برگرداند. علاوه بر این، وی در ذیل ترجمه بین سطری به طور مفصل به مباحث تفسیری نیز پرداخته است؛ به تازگی شواهد این همانی این دو نسخه مستند گردیده است.<sup>۱۱</sup> اکنون به بخش اصلی مقاله رسیدیم.

۴، ص ۷۶۶۱.

۱۱. «مصباح الظلمات فی تفسیر التورات: تفسیری شیعی بر اسفار خمسه»، حیدر عیوضی، رسول جعفریان، آینه میراث شماره ۱۳۹۸، ۶۴، ص ۱۳۲، ۱۰۹.

جدیدترین مقاله در بررسی آن:

Eyvazi, Heidar, "Miṣbāḥ al-Zulmāt fī taḥsīr al-Tawrāt (Flashing in the Darkness by Commenting on the Torah), Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 20: Iran, Afghanistan, Armenia, Azerbaijan and Georgia (1800-1914), Brill, 2023, p.85-88.

## ۱. امتیازهای ترجمه قدیم

این موضوع در دو محور طرح می‌شود:

### ۱.۱. ترجمه از زبان اصلی

متن تورات عبری جزء پیچیده‌ترین میراث ادیان ابراهیمی است؛ تَنخ که شامل کتاب‌های موسی، متون حکمی، ادبی، و کتاب‌های دیگر انبیاء بنی اسرائیل است، مهم‌ترین منبعی است که از ابعاد مختلف بر حوادث حدود نه قرن پرتو می‌افکند (از سده ۱۳ ق.م. ظهور موسی تا آخرین انبیاء بنی اسرائیل باستان در قرن ۵ ق.م.). علاوه بر بعد دینی آن، از آنجایی ظهور و افول تمدن‌های بزرگ خاورمیانه در آن بازتابیده (از سلسله پادشاهان مصر تا بابل و هخامنشیان)، در حوزه‌های مختلف پژوهشی نقش یک کتابخانه را دارد. در این رابطه باید به واژه‌نامه الهیاتی عهد عتیق<sup>۱۲</sup> اشاره کرده که در نگارش آن بیش از ۵۰ زبان‌شناس، باستان‌شناس از دانشگاه‌های مختلف جهان مشارکت داشته‌اند. به این ترتیب، مخاطب فهیم توجه دارد که با یک متن بسیار پیچیده مواجهیم.

باری، نخستین امتیاز ترجمه قدیم، استفاده از متن اصلی تورات می‌باشد؛ به طور کلی، تیم مترجمان این اثر از یک سو دانش خوبی در زبان عبری داشته‌اند، و از سوی دیگر به جهت انس با متون کلاسیک فارسی که بن‌مایه‌های زبان مقصد را شکل می‌دهند، توانسته‌اند متن نهایی را مطابق نثر معیار زمانه خودش ارائه دهند.

### ۲.۱. انعکاس صنایع زبانی در متن عبری (جناس)

سراسر تورات مملو از صنایع مختلف چون جناس، سجع، مراعات النظیر و... است؛ انتقال این صنایع ادبی به زبان مقصد از دشواری‌های ترجمه است که در ترجمه قدیم نهایت تلاش برای انعکاس آن دیده می‌شود؛ دو نمونه از جناس و سجع:

پیدایش ۲: ۲۳ (آفرینش حوا)

ترجمه قدیم	ترجمه پیروز سیار
و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب <u>نِسا</u> نامیده شود زیرا که از <u>انسان</u> گرفته شد.	آنگاه او بانگ برآورد: این بار، این استخوانی از استخوانهایم، و گوشتی از گوشتم است! این «زن» نامیده خواهد شد، چرا که از مرد برکشیده گشت!

همینطور نک. پاورقی ش. ۵ همین مقاله.

۱۲. عنوان آلمانی، *Theologisches Wörterbuch zum Alten Testament* در این مقاله علامت اختصاری TDOT به نسخه انگلیسی این فرهنگ اشاره دارد. این پروژه در میانه دهه ۱۹۷۰ شروع شد و انتظار می‌رفت که در طی ۱۰ سال به پایان برسد. اما تحولات کلانی که در این مطالعات پدید آمده بود، از جمله گستره منابع پژوهشی، موجب شد تدوین نهایی آن تا پاییز ۱۹۹۵ طول کشید.

شاهد مثال در عبارت پایانی است، که در ترجمه قدیم با انتخاب واژه‌های «نسا» و «انسان» سعی شده جناس موجود در متن عبری را منعکس کند. در حالی که، این موضوع و موارد مشابه در ترجمه سیار پاورقی منتقل شده: «عبری میان واژه‌های ایشّه (ishsha) به معنی «زن» و ایش (ish) به معنی «مرد» جناس برقرار می‌کند».

مثال دیگر، واژه بکور، صورت عبری آن בְּכוֹר / bekôr ، به معنای «نخست زاده» است، صورت فعلی آن در باب pual به معنای نخست زاده بودن می‌باشد که در لایوان ۲۷: ۲۶ هر دو به صورت مسجع آمده‌اند:

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
لیکن نخست زاده‌ای از بهایم که برای خداوند نخست زاده شده باشد	نخست زاده‌ای از احشام خود را که به یهوه تعلق دارد
yebukar / רַבִּי! ..... / bekôr / רֹבֵב	

البته، در زبان‌های هم‌خانواده انعکاس چنین صنایع ادبی با تکلف کمتری همراه است؛ به طور مثال در یک ترجمه عربی می‌خوانیم «لکن بکرُ الذی يُبکِّرُ لیهوه».<sup>۱۳</sup>

## ۲. امتیازهای ترجمه پیروز سیار

امتیازهای ترجمه سیار در سه محور کلی قابل طرح است؛ مباحث ناظر به متن ترجمه (۱ و ۲)، و دیگری در باب پاورقی‌ها (۳).

### ۱.۲. انعکاس منظوم بودن متن

بخش عمده‌ای از تنخ منظوم است؛ علاوه بر استعاره‌های بکر و الهام بخش بی‌شمار، اساساً عناصر شعری در سراسر آن موج می‌زند، به طوری که گفته می‌شود «یک سوم عهد عتیق منظوم است».<sup>۱۴</sup> باب ۴ سفر پیدایش در آیات ۲۳ و ۲۴ متضمن اولین سرود عبری است که کمک برای زنان خود (عاده و صلّه) سروده:

ترجمه قدیم	ترجمه پیروز سیار
ای عاده و ظلّه، قول مرا بشنوید! ای زنان کمک، سخن مرا گوش گیرید! زیرا مردی را کشتم بسبب جراحت خود [۳]، و جوانی را بسبب ضرب خویش [۴]. اگر برای قاتن هفت چندان انتقام گرفته شود، هر آینه برای کمک، هفتاد و هفت چندان.	عاده و صلّه، آوای مرا بنیوشید، زنان کمک، بر کلام من گوش بسپارید: من مردی را از برای زخمی بکشتم [۳]، و نوباوه‌ای را بهر کبودی [۴]. چرا که از برای قاتن هفت چندان کین توخته شود، لیک بهر کمک هفتاد و هفت چندان!

<sup>۱۳</sup> ترجمه عربی الفغالی و عوکر، ۲۱۲.

14 . *Encyclopedia Judaica*, 16/255;

برای تفصیل بیشتر موضوع ← جبه‌های نقره فام، ص ۳۶۲۰.

در ستون سمت چپ، تلاش مترجم برای انعکاس منظوم بودن متن ستودنی است؛ علاوه بر این بندهای ۳ و ۴ در انتقال مفهوم «شخصی را که مرا مجروح کرده بود، کُشتم»، «پسری را که به من ضربه زده بود، کُشتم» خیلی رساترند. همینطور در انتها، پاورقی تکمیلی به فهم بهتر این سرود کمک می‌کند: «این سرود وحشی که به افتخار کَمک، قهرمان صحرا، تصنیف شده، در اینجا به منزله گواهی بر خشونت فزایندهٔ اعقاب قاین تدوین شده است». عبارت پایانی این سرود، در واقع تلمیحی به پیدایش ۴: ۱۵ است که در آن بیهو در حکمی قاین (قابیل) را در ماجرای قتل برادرش هابیل، از قصاص تبرئه کرده است.

## ۲،۲. به‌گزینی در ترجمه

دومین امتیاز این ترجمه، دقت نظر در به‌گزینی واژه‌ها در زبان مقصد است؛ از جمله:

خروج ۱۵: ۲

«یه<sup>۱۵</sup> قدرت و سرود من است».

انتخاب واژهٔ سرود نسبت به «تسییح» چنانکه که در ترجمهٔ قدیم آمده، دقیق‌تر است. هرچند واژهٔ *zimrāt / זִמְרָת* در بافت الهیاتی می‌تواند معنای «تسییح، ستایش» هم داشته باشد، اما با توجه به مضمون حماسی این بخش که سراسر نغمهٔ پیروزی است، واژهٔ سرود مناسب‌تر می‌نماید. ضمن اینکه واژهٔ تسییح در زبان فارسی عمدتاً کاربرد الهیاتی دارد؛ و محتملاً مناسب‌ترین معادل عبری آن *tēhillā / תְּהִלָּה* می‌باشد.

## ۳،۲. پاورقی‌های کاربردی

با اولین تورق این اثر انبوهی از پاورقی‌ها به چشم می‌خورد که رویکردهای گوناگونی دارند: نکات تفسیری، اشاره به اختلاف نسخ، تفکیک معانی لغوی - استعاری و غیره. همانطور که مترجم در معرفی نسخه توضیح داده، این پاورقی‌ها در واقع متعلق به نسخهٔ فرانسوی (اورشلیم) می‌باشد که خود بر اساس پژوهش‌های نوین «کامل و روزآمد شده است» (هرمس، ۱۳۹۴، ۶۸). باز بر اساس توضیح مترجم، این پانویس‌ها به صورت متقابل، یکدیگر را کامل می‌کنند؛ به عبارت دیگر علامت + در پانویس، خواننده را به جهت توضیحات تکمیلی به قطعه‌های دیگر ارجاع می‌دهد. به این ترتیب، این اثر متضمن یک تفسیر اولیه نیز هست که به فهم بهتر و عمیق‌تر مخاطب کمک می‌کند. دو نمونه:

لاویان ۱۷: ۷



ترجمه قدیم	ترجمه سیار
و بعد از این، ذبایح خود را برای دیوهایی که در عقب آنها زنا می‌کنند دیگر ذبح نمایند. این برای ایشان در پشت‌های ایشان فریضه دائمی خواهد بود.	قربانیهای ذبح کردنی خود را دیگر تقدیم آن بُز ایزدان [۱] نکنند که از پی آنها تن به فحشاء [۲] می‌دادند. این قانون ابدی از برای آنان و اعقابشان است.

این فصل از سفر لاویان به برخی احکام ذبایح اختصاص دارد، از جمله در آیه مذکور تقدیم قربانی به ایزدان و خدایان غیر را نهی می‌کند. پاورقی‌های ترجمه سیار عبارتند از:

[۱] «واژه عبری به معنی «بُزِ نر» است و دلالت بر اجنه به صورت حیوانات دارد که تصور می‌کردند در مکانهای متروک و ویران آمد و شد می‌کنند (اشعیا ۱۳: ۲۱؛ ۳۴: ۱۴). عزازیل با آنها همانند شده است (لاویان ۱۶: ۸). در اینجا و در ۲ تواریخ ۱۱: ۱۵، این واژه با تحقیر دلالت بر خدایان دروغین دارد.

[۲] استعاره مرسوم خیانت دینی (بنگرید به هوشع بابهای ۳۰: ۱).

ملاحظه می‌شود که مخاطب با توجه به این نکات تصویر روشن‌تری از متن می‌یابد. در رابطه با نکته دوم، که در نهایت ایجاز آمده، می‌توان افزود که ریشه *zānā / זָנָה* «زنا کردن» وقتی که با حرف اضافه *אַחֲרָיָהּ / 'ahăyêy'* «در پی، بعد از» همراه است عموماً در بافت استعاری قرار دارد و به معنای آمیختن با اقوام بیگانه می‌باشد (لاویان ۲۰: ۵، ۶؛ اعداد ۱۵: ۳۹). به عبارتی در این هنگام قوم عبرانی با زنی مقایسه می‌شود که به همسر خود (یهوه) خیانت می‌کند و با دیگران درمی‌آمیزد (به طور برجسته در حزقیال بابهای ۱۶ و ۲۳).

پیدایش ۳۱: ۱۵

باب ۳۱ سفر پیدایش به شرح واقعه فرار یعقوب از دست پدرزن خود، لابان می‌پردازد و اینکه چطور حتی دختران لابان کاملاً همدلانه یعقوب را همراهی کردند. در میان سخنانی که از زبان راحیل و لیه نقل می‌شود، عبارت آیه ۱۵ در نهایت ایجاز است، به طوری که بدون مراجعه به تفاسیر مقصود ایشان روشن نیست: «چرا که ما را بفروخته و سپس بهای ما را خورده است». آنگاه متن پاورقی بر آن پرتو می‌افکند: «بخشی از سخنان گلابه‌آمیز راحیل و لیه در مورد پدرشان لابان؛ بر اساس رسوم بین‌النهرین علیاً، بخشی از مبلغی که داماد هنگام ازدواج به پدر زن می‌پرداخت، تسلیم زن می‌شد، اما لابان به تنهایی از خدمات یعقوب بهره برده است». به عبارت دیگر، اینکه لابان همه آنچه که امروزه شیربهاگفته می‌شود را از روی طمع برای خود برداشته، برای دخترانش به شدت آزاردهنده بوده است.

### توضیح اصطلاح‌ها

سراسر بایبل متضمن انبوهی از اصطلاحات است؛ این ترجمه در مورد بسیاری از آنها توضیحات

کاربرد خوبی دارد. به عنوان نمونه:

واژه ایفود  $\text{ἵφουδ} / \text{ἵφουδ}$ : در تنخ به سه شیء مختلف اطلاق شده است: I. وسیله پیشگویی که برای رایزنی با یهوه به کار می رفت (۱ سموئیل ۲: ۲۸)؛ II. «دامان کتانی» که خادمان بر تن می کردند (۱ سموئیل ۲: ۱۸)؛ III. از جامه های رسمی کاهن بزرگ در یهودیت باستان، ظاهراً خیلی کوتاه تر از رد/ قبا بوده، به تعبیر حییم «گونه ای جلیقه یا ژاکت کوتاه»<sup>۱۶</sup> (خروج ۲۸: ۲۸). در ترجمه پیروز سیار در ذیل پاورقی های متعددی با توجه به بافت های مختلف، تفاوت های معنایی منعکس شده است (از جمله: خروج ۲۸: ۱۶؛ سم ۲: ۱۸). و این به دریافت معنای واضح تر از متن کمک می کند، این در حالی است که در ترجمه قدیم، در همه جا واژه عبری مذکور یکسان تکرار شده است.

استفاده از تفسیر آیه به آیه: تثنیه ۳۳: ۱۲ (برکت دادن به سبط بنیامین)

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
حبیب خداوند نزد وی ایمن ساکن می شود. تمامی روز او را مستور می سازد و در میان کتف هایش ساکن می شود.	محبوب یهوه نزد او در ایمنی بیاساید. خدای متعال هر روز از او حمایت کند و میان تپه های او ساکن گردد.

دو تفاوت در این ترجمه ها دیده می شود که در هر دو مورد ترجمه سیار به متن مبدأ نزدیک تر است:

II. فعل «مستور ساختن» ترجمه کاملاً تحت اللفظی صورت فعلی  $\text{hōfēf} / \text{ḥf}$  از ریشه مشترک سامی  $\text{hff}$  است و بر معنای اولیه «احاطه کردن، محاصره کردن؛ پوشاندن» دلالت دارد.<sup>۱۷</sup> اما با توسعه معنایی بر «حمایت کردن، نگه داشتن» نیز دلالت دارد، و همین معنا با بافت آیه سازگارتر است؛ همانطور که در ترجمه لوتر نیز دیده می شود: «... allezeit wird Er die Hand über ihm halten».

III. واژه  $\text{ketēp} / \text{ḳtēp}$  که صورت جمع آن در آیه آمده، صرفاً به معنای «کتف، شانه» نیست، بلکه برای اشاره به اشیاء بی جان نیز استفاده می شود مانند گوشه ساختمان (اول پادشاهان ۶: ۸)، «کرانه دریا» (اعداد ۳۴: ۱۱)، «ناحیه / منطقه شهر» (یوشع ۱۵: ۸). تعبیر «کتف هایش / شانه هایش» ترجمه تحت اللفظی است، اما همانطور سیار در پاورقی نیز اشاره کرده، با توجه به اینکه در کتاب یوشع باب ۱۸ در توصیف قلمرو بنیامین ۵ تپه مشخص می شود، تعابیری مثل «تپه ها، بلندی هایش» مناسب تر می نماید؛ قس. در ترجمه لوتر: *wird zwischen seinen Höhen wohnen*.

در باب مباحث متن شناسی و تفاسیر محتمل از یک آیه، بخش قابل توجهی از پاورقی های این ترجمه

متضمن سرنخ‌هایی می‌باشد که برای پژوهشگران جوان مغتنم است.<sup>۱۸</sup>

### ۳. نقاط ضعف ترجمه قدیم

تصریح می‌کنم که مباحث این بخش و بخش بعدی صرفاً یادداشت‌هایی هستند، که مطابق یک نظم و ترتیب اولیه چینش یافته‌اند؛ به این جهت، راقم این سطور ادعای کشف و نوآوری ندارد، بلکه معتقد است برخی از آنها متضمن نکات کوچک و خردی هستند که نقش پاورقی برای یک متن پیچیده را دارند، حتی برخی تحلیل‌ها می‌تواند همچنان محل بحث و مناقشه باشند. مباحث پیش رو به هیچ وجه از جایگاه و منزلت این دو اثر فاخر نمی‌کاهند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت چون گردی در دامنه آن دو قله رفیع‌اند.

مباحث این بخش را در سه محور پی‌می‌گیریم:

#### ۱.۳ وجود بن‌مایه‌های جدلی

ترجمه قدیم، به رغم امتیازهایی که دارد، از وجود برخی بن‌مایه‌های جدلی رنج می‌برد. زبان تورات عبری به عنوان یک متن کلاسیک مملو از استعاره و مجاز است، مشخصاً در بافت الهیاتی به نحو برجسته‌ای نمایان می‌شود. این مسأله از دیرباز دستاویزی برای نقد الهیاتی این متن بوده است. پرواضح است که در اینجا نمی‌توان به همه ابعاد این موضوع پردامنه پرداخت، اما به نظر راقم این سطور، بسیاری از نقدها در دفاعیه رده‌های اسلامی متأثر از ترجمه‌ها بوده است. مثال: داوران ۲: ۱۸ (پشیمانی خداوند)

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
... زیرا که خداوند به خاطر ناله‌ای که ایشان از دست ظالمان و ستم‌کنندگان خود برمی‌آوردند، پشیمان می‌شد.	... زیرا یهوه از ناله‌های ایشان برابر آزارگران و ستمکارانشان، به رحم آمد.

ریشه  $\text{נָחַם} / \text{nāham}$  بر حوزه معنایی گسترده‌ای چون «پشیمان شدن»، «تسلی دادن» (پیدایش ۶: ۲۹) دلالت دارد، که در باب‌های مختلف توسعه معنایی نیز پیدا می‌کند. در بخش‌های مختلف تنخ، مشخصاً در بافت الهیاتی به معنای «رحم کردن» به تعبیر پیروز سیار در ذیل پیدایش ۶: ۶ «فروخوردن خشم و مرتفع گشتن تهدید» است. به این ترتیب، در ترجمه این فعل نمی‌توان همه جا معنای اولیه آن را به کار بست. نادیده گرفتن این توسعه معنایی و بافت‌های مختلف، از یک سو متن

۱۸. از آثار تاز نشر یافته در این حوزه:

تفسیر پایبل، جان اچ. هابیس کارل آر. هالدی؛ ترجمه اعظم پویا، سعید شفیعی، تهران، هرمس، ۱۴۰۰.  
روش‌های مدرن تفسیر متون مقدس، فاطمه توفیقی، تهران، نشر کرگدن، ۱۴۰۱.

راه گونه ای افراطی مملو از تعابیر انسان انگارانه<sup>۱۹</sup> می سازد (که همواره در دفاعیه رديه های اسلامی به عنوان یک نقد مطرح شده است) و از سوی دیگر در مواردی متعدد موجب سستی و ناستواری ترجمه می شود، مانند: «خداوند می گوید: چونکه تو مرا ترک کرده، به عقب برگشتی من نیز دست خود را بر تو دراز کرده، تو را هلاک ساختم زیرا که از پشیمان شدن بیزار گشتم» (ارمیا ۱۵: ۶). تعبیر «از پشیمان شدن بیزار گشتم» در آیه، به جای «از رحم کردن، ملول گشتم» به طور ملموس نارسا، و یکی از پیامدهای افراط در ترجمه تحت اللفظی است.

به همین ترتیب، در ترجمه «و خداوند از آن بلایی که درباره ایشان گفته بود پشیمان گردید» (ارمیا ۲۶: ۱۹)، بهتر بود از ترکیب هایی چون «منصرف گردید» استفاده می شد (همینطور در بافت تاریخی نک. داوران ۲۱: ۱۵). البته، ترجمه فعل مورد بحث در سراسر این ترجمه مشکل دار نیست، موارد صحیح نیز یافت می شود (از جمله مزامیر ۹۰: ۱۳).

### ۲,۳. برخی اغلاط

اشعیا ۶۰: ۴

عبارت پایانی در آیه «چشمان خود را به اطراف خویش برافراز و ببین که جمیع آنها جمع شده، نزد تو می آیند. پسرانت از دور خواهند آمد و دخترانت را در آغوش خواهند آورد» ناستوار به نظر می رسد. در متن عبری، در قسمت دوم این آیه دو صحنه مجزا تصویرسازی شده است: الف. «پسرانت از دور خواهند آمد» (که ترجمه آن درست است)؛ ب. در ترسیم صحنه دوم اساساً فعل آوردن وجود ندارد، بلکه فعل אָמַן / āman به معنای «پروردن، بزرگ کردن» در باب Niphal به صورت مجهول می باشد: וּבְנֵי־הָעָלְיָד יִתְאַמְנָה؛ به این ترتیب ترجمه پیشنهادی عبارت است از: «و دخترانت در آغوش [ت] رشد می کنند». گویا مترجمان در ترجمه عبارت مذکور تحت تأثیر این فراز اشعیا بوده اند «و ایشان پسرانت را در آغوش خود خواهند آورد و دخترانت بر دوش ایشان برداشته خواهند شد» (۴۹: ۲۲)؛ در حالی که متن این دو به کلی متفاوت است.

### ۳,۳. افراط در ترجمه تحت اللفظی

اصطلاح כָּל-הַיּוֹם / kol-hayy ōm هر دو معنای «تمام روز» و «هر روز» را در خود دارد؛ در مقابل כָּל-הַלַּיְלָה / kol-hallaylā «هر شب/ تمام شب». در ترجمه قدیم، این ترکیب به طور افراطی همه جا «تمامی روز» معنی می شود، از جمله: «و من تمامی روز مبتلا می شوم و تأدیب من هر بامداد حاضر است» (۷۳: ۱۴) که به جهت در تناظر بودن با «هر بامداد» است «هر روز» مناسب تر نمی نماید.

علاوه بر اینها، برخی شواهد موجود حکایت از این دارند که تیم مترجمان ترجمه قدیم، از ترجمه های

عربی نیز استفاده کرده‌اند؛ به طوری که در مواردی بر آن سایه افکنده است. این موضوع خود یک پژوهش مستقل می‌طلبد، یک مثال:

اشعیا ۵: ۲

«و آن را کنده از سنگها پاک کرده و مو بهترین در آن غرس نمود و برجی در میانش بنا کرد و چرخشتی نیز در آن کند. پس منتظر می‌بود تا انگور بیاورد؛ اما انگور بد آورد» (اش ۵: ۲).

چرخشت: دستگاهی که در فشردن آب انگور به جهت شراب مورد استفاده قرار می‌گرفته؛ فعل عبری مورد بحث در آیه به معنای «ساختن، دست و پا کردن» دلالت دارد.<sup>۲۰</sup> به نظر می‌رسد استفاده از فعل «کندن» در این ترجمه، تحت تأثیر فعل عربی «حفر» در برخی ترجمه‌ها مانند «مَعَصْرَةَ حَفَرَ فِيهِ»، بوده است.

#### ۴. نقاط ضعف ترجمه سیار

به طور طبیعی ترجمه از متن واسطه، تردیدهایی را برای مخاطب به همراه دارد. در اینجا برخی پیامدهای آن در محورهای ۱، ۲ و ۳ بازتابیده؛ و محور چهارم ناظر به پاورقی‌های ترجمه است.

#### ۱،۴. برخی اغلاط

موارد ذیل، می‌توانند نقطه قوت ترجمه قدیم نیز باشد؛ چه اینکه در ترجمه مستقیم، برخی از عناصر زبان شناختی مثل تأکید، لحن تشویقی، توییحی شانس بیشتری برای انعکاس می‌یابند.

خروج ۱۰: ۲۶

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
حتی گله‌های ما با ما خواهند آمد و یک رأس نیز مواشی ما نیز با ما خواهد آمد، یک شمی باقی نخواهد ماند	ترجمه سیار نخواهد ماند

این آیه در واقع فرازی از خطابه موسی در مقابل فرعون است. در آیات قبل، فرعون در مقابل معجزات یهوه، خدای موسی کوتاه آمده و اجازه خروج بنی اسرائیل را صادر می‌کند، اما به موسی می‌گوید که نمی‌توانند احشام خود را همراه ببرند. آنگاه موسی در آیه ۲۵ با لحنی کوبنده و توییحی می‌گوید «حتی خود تو ذبایحی را جهت قربانی برای یهوه خدای ما می‌دهی»؛ و در ادامه، یعنی آیه ۲۶ تأکید می‌کند که حتی یک نعل/شم از مواشی ما در مصر باقی نخواهد ماند! محل بحث ترجمه واژه פָּרָה / parsā است که در لغت به معنای «شم، نعل» می‌باشد.<sup>۲۱</sup> پرواضح است که ترجمه واژه مذکور به «رأس» نه تنها به لحاظ معناشناسی نادرست است، نتوانسته تأکید در آیه را برساند. خطاهای این چینی، که

می توان مشابه آن را در بخش های دیگر نیز جست، از آثار ترجمه از زبان واسطه است.

خروج ۱۸: ۶

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
(۵) یترون، پدر زن موسی ... نزد موسی به صحرا آمد.	(۵) یِترو، پدر زن موسی ... در کوه خدا نزد موسی رفت. (۶) موسی را گفت «من یِترو پدر زنت هستم» که با زن تو و دو پسر وی نزدت آمده ام.»
(۶) و به موسی خیر داد که من یترون، پدر زن تو با زن تو و دو پسرش نزد تو آمده ایم.	(۷) موسی به پیشواز پدر زن خویش برون گشت ...
(۷) پس موسی به استقبال پدر زن خود بیرون آمد...	

شاهد مثال، ترجمه فعل عبری 'אָמַר / yō'mer از ریشه 'אָמַר / amar' (قس. اَمَر در عربی) در آیه ۶ می باشد. مشکل اینجاست که اگر در ترجمه این فعل از مشتقات «گفتن» استفاده کنیم، چنانچه در ترجمه سیار آمده، چنین می نماید که متن عبری دچار آشفتگی پس و پیش شده، چون مطابق آیه ۵ یِترو نزد موسی آمده و در آیه ۶ خودش را معرفی کرده، آنگاه آیه ۷ از استقبال موسی سخن می گوید! مترجمان نسخه فرانسوی نیز از این موضوع غافل نبوده اند و در پاورقی به نسخه بدل های این آیه اشاره کرده اند و در نهایت سعی کرده اند راه حلی بیابند؛ عین مطالب ایشان بر اساس نسخه ترجمه چنین است:

«متن عبری را که منطقی به نظر نمی رسد، ترجمه می کنیم: در آیه بعدی موسی به پیشواز پدر زن خود بیرون می رود؛ در [ترجمه] یونانی و سریانی آمده است: «موسی را گفتند: اینک پدر زن تو نزدت می آید ...» در متن عبری به جای «موسی را گفت»، می توانیم چنین فرض کنیم: «گفت موسی را بگویند».

پیشتر در مقدمه مقاله از گستره معنایی و اهمیت ترجمه فعل مورد بحث سخن به میان آمد؛ دیدیم که حوزه معنایی آن محدود به «گفتن» نبود! این فعل از پرکاربردترین افعال در سراسر تنخ، با ظرائف معنایی بالاست؛ از جمله در آیه مورد بحث برخی معانی چون «خبر دادن»، «به اطلاع کسی رساندن»، «کسی را مطلع ساختن از» مناسب می نماید. ملاحظه می شود که در ترجمه قدیم با استفاده از تعبیر «خبر دادن» به راحتی از عهده کار برآمدند، اما در ترجمه سیار هرچند در پاورقی در یافتن توجیه و فرضیه سعی وافر انجام گرفته، در نهایت متن ترجمه زخمی برجای مانده است!

۲،۴. نادیده گرفتن بافت

ب) ترجمه سیار: تنبیه ۱۰: ۳۳

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
بُخور به حضور تو خواهند آورد ...	بُخور برای منخَرین تو برآورند ...

واژه عبری مورد بحث در آیه *af/ ٩٦* که معانی متعددی دارد: «بینی، خشم، غضب، نفس».<sup>۲۲</sup> طیف معنایی خاصی که این کلمه در عبری دارد، بینی / منخر (منخرین: دو سوراخ بینی) در فارسی ندارند؛ به عبارت دیگر، تصویری که در ذهن مخاطب عبری زبان از این آیه ایجاد می‌شود، لزوماً محدود به دماغ و بینی و منخر نیست؛ بلکه چون عبارت *בְּאֵפֶקָא / bə'apekā* خطاب به یهوه خداوند است، نوعی هیبت و بزرگی یهوه را در ذهن او منعکس می‌کند؛ اما وقتی در فارسی بگوییم «بخور برای منخرین تو برآورند» دقیقاً مثل کسی عمل کرده‌ایم که در ترجمه «دماغت چاقه» بگوید: **!!!Your nose is fat**!

باری، مشکل ترجمه بسیار در عبارت «برای منخرین تو» به استفاده افراطی از تعابیر انسان‌انگارانه محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر نادیده گرفتن گستره معنایی یک واژه و بافت آیه می‌باشد. محتملاً، ترجمه به *عَضَب* به صورت «بخور در مقابل غضب تو» با نظر به الهیات حاکم بر عهد عتیق، مشخصاً اسفار ختمه مناسب‌تر می‌نماید.

#### ۳،۴. گرایش به ترجمه تفسیری / آزاد

هرچقدر که ترجمه قدیم تا حدودی به سبک تحت اللفظی گرایش دارد، در مقابل ترجمه بسیار به صورت افراطی به ترجمه تفسیری / آزاد متمایل است. از جمله:

پیدایش ۲۱: ۹

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
آنگاه ساره، پسر هاجر مصری را که از ابراهیم زاییده بود، دید که خنده می‌کند.	آنگاه ساره، پسر هاجر مصری (اسماعیل) را که از ابراهیم زاییده بود، دید که بازی می‌کند.

فعل پایانی این آیه که در ترجمه سیار «بازی می‌کند» آمده و در ترجمه قدیم «خنده می‌کند»، در عبری *מְצַחֵק / meṣaḥeq* می‌باشد. ریشه عبری *צחק / ṣḥq*، در پیوند با *صَحِكَ* در عربی است و بر معنای پایه‌ای «خندیدن» دلالت دارد.<sup>۲۳</sup> مترجم در پاورقی با استناد به افزوده‌های نسخه‌های یونانی و ولگات «با پسر او اسحاق»، این فعل را «بازی کردن» ترجمه کرده است. اما با نظر به این افزوده (و فرض صحت آن)، معنی آیه چیزی به این مضمون خواهد بود: «ساره دید که اسماعیل در حال خندیدن به اسحاق / مسخره کردن اوست». چه اینکه صرف «بازی کردن» اسماعیل با اسحاق نمی‌تواند موجب برانگیخته شدن خشم ساره شود.<sup>۲۴</sup>

خروج ۱۲: ۳۱

۲۲. همو، ۲۳.

23. KBL, 801.

۲۴. برای تحلیل‌های غیراست‌کیشانه راجع به این افزوده ← خاندان ابراهیم، هرشل شنکس، ترجمه روح الله شفیعی، ص ۱۵۸.

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
... خداوند را عبادت نمایید، چنانکه گفتید.	... بیهو را آنچنان که می خواستید، پرستش کنید.

ریشه *dhx* در عبری به معنای پایه ای «سخن گفتن، حرف زدن، بیان کردن» است؛ عبارت پایانی این آیه، همانطور که مفسر بلند پایه ربی شلومو اسحاق (۱۱۰۵.۱۰۴۰ م.) معروف به راشی بدان تصریح کرده در واقع اشاره به سخنان موسی در مقابل فرعون دارد (خروج: ۱۰: ۲۵). و تعبیری مثل «می خواستید» در ترجمه سیار، یا «می خواهید» در ترجمه دری، کاملاً یک ترجمه آزاد است.

اعداد ۳۰: ۱۵ (احکام نذر زن) ۲۵

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
اما اگر شوهرش روز به روز به او هیچ نگوید ...	اگر شوی او روز بعد وی را هیچ نگوید ...

عبارت عبری *mīyôm 'el yôm / di'-l-di' di'* در آیه دقیقاً به معنای «روز به روز» است، ترجمه آن به «روز بعد» علاوه بر اینکه در میان ترجمه های بایبل بیگانه است، نارسا هم هست، چه اینکه مثلاً شامل همان روز یا روزها بعد نمی شود.

#### ۴,۴. وجود پاورقی های ناستوار و جهت گیرانه

پاورقی های نسخه مورد استفاده مترجم، همانقدر که نقطه قوت این ترجمه محسوب می شد، در مواردی ناستوار و جهت گیرانه است؛ به عبارتی پاشنه آشیل آن نیز می باشد. و این نه بدان جهت که با رویکرد سنتی نسبت به متن عبری در تعارض اند، بلکه اساساً به لحاظ زبان شناسی و معیارهای علمی، گاه برداشت هایی نسنجیده و بلکه عجولانه اند.

لاویان ۲۰: ۱۰

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
و کسی که با زن دیگری زنا کند یعنی هر که با زن همسایه خود زنا نماید، زانی و زانیه البته کشته شوند.	مردی که مرتکب زنا با زن هممنوع خود شود، باید بمیرد، هم او و هم همدستش.

متن پاورقی سیار چنین است: «مردی که مرتکب زنا با زن شود» در عبری تکرار شده است. با مراجعه به متن عبری روشن می شود که تکراری رخ نداده؛ یعنی عبارات جمله عیناً تکرار نشده تا به راحتی یکی از تکرارها را در ترجمه حذف کنیم و در پاورقی بگوییم تکراری بود. بنابراین اصل پاورقی ناستوار



است. کوتاه آنکه متن عبری چنین است: **אִישׁ, אֶשֶׁר יְבָאָה אֵת-אִשְׁתּוֹ, אֶשֶׁר יְבָאָה, אֵת-אִשְׁתּוֹ יַעֲהוּ מוֹת-יוֹמַת הַנְּאִף, וְהַנְּאִפֹת** برای تبیین بیشتر، همه واژگان را به ترتیب در جدول قرار می دهیم:

و		!	۱
مردی که زنا کند با زن متاهل	אֵת-אִשְׁתּוֹ אִישׁ	אֶשֶׁר	אִישׁ
یعنی زنا کند با زن همسایه اش	אֵת-אִשְׁתּוֹ יַעֲהוּ	אֶשֶׁר	אִישׁ
البته کشته شوند زانی و زانیه.	מוֹת-יוֹמַת הַנְּאִף, וְהַנְּאִפֹת		

همانطور که ملاحظه می شود، در ستون ۱ حرف عطف «واو» قرار دارد، در ستون ۲ و ۳ برخی واژگان مشابه اند، اما به هیچ وجه کل عبارت تکرار هم نیست، و حذف یکی موجب ناقص بودن تمام جمله می شود. باری جمله حاوی نوعی تأکید یا تخصیص، بر بدتر بودن زنا با زن عبرانی برای بنی اسرائیل باستان است. و همسایه در اینجا به معنای هم نژاد می باشد. از اینجا به اشکال بزرگتر ترجمه سیار می رسیم و آن ترجمه همسایه به همنوع است (مبهم بودن «زن همنوع»). به عبارت دیگر، این آیه ابتدا مطلق زنا با زنان متاهل را محکوم می کند، و بعد زنا با زنان متأهل بنی اسرائیل را جداگانه ذکر می کند تا بر بدتر بودن آن تأکید کند. در ترجمه قدیم، مانند بسیاری از ترجمه های دیگر، با قید «یعنی» سعی شده این نکته منعکس شود.

## ۵. جمع بندی

زبان فاخر متن مبدأ کماکان فراتر است، و به کمک یک ترجمه مشخص نمی توان معنای مقصود آن را صید کرد. از آنجایی که با یک متن بسیار پیچیده مواجهیم، گاهی لازم است برای دستیابی به ظرائف متن، چندین ترجمه را که چون آینه های شکسته عمل می کنند، در کنار هم ببینیم. محتملاً برخی از مباحث تحلیل های فنی تری طلب می کرد و همینطور در انتخاب و چینش تیترا/محرورهای مقایسه، می شد بهتر عمل کرد؛ باری، آنچه ارائه شد به عنوان یک طرح بحث بود، و امیدوارم سرآغاز مباحث جدی تر گردد.

جامعه علمی ما از مطالعات زبان های سامی در جهان فرسنگ ها فاصله دارد، امیدوارم با فراهم شدن برخی زیرساخت های لازم افق های نو در مطالعات زبان شناسی متون دینی پدید آید. راقم این سطور پیشتر در مقالاتی برخی بایسته های پژوهشی که به پویایی این حوزه کمک کند را در حد دانش محدود خود برشمرده ام، در اینجا نیز در امتداد آنها می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. راه‌اندازی رشته زبان‌های سامی در دانشکده‌های علوم قرآنی،
  - ۱.۱. گرایش عربی - آرامی - سریانی
  - ۲.۱. گرایش عربی - عبری
  - ۳.۱. گرایش عربی - حبشی
۲. راه‌اندازی رشته‌های ترجمه پژوهی تطبیقی قرآن و متون مقدس (با گرایش‌های مختلف)
  - ۱.۲. مباحث نظری ترجمه در زبان‌های سامی
  - ۲.۲. مضامین و عناصر مشترک در متون مقدس ادیان ابراهیمی
  - ۳.۲. تفسیر بائبل با قرآن (تبیین فنی موضوع بشارات عهدین!)
  - ۴.۲. تفسیر بینامتنی قرآن با بائبل و تلمود
۳. راه‌اندازی رشته مطالعات تطبیقی قرآن و بائبل.

باید تصریح کرد که پویایی و شکوفایی در مطالعات دینی در عصر حاضر نیازمند توسعه منابع پژوهشی است؛ صرفاً با اتکا به منابع درون دینی. سنتی نه می‌توان به طور چشم‌گیر انتظار خلاقیت و نوآوری داشت، و نه می‌توان به لحاظ کاربردی پاسخی به نیازها و سؤالات مخاطب معاصر فراهم کرد! شایسته است که دست‌اندرکاران این حوزه، اکنون (هرچند خیلی هم دیر شده) با فراهم کردن زیرساخت‌های لازم به تربیت پژوهشگران در حوزه‌های مذکور مبادرت ورزند، تا به جای نقد الهیاتی دیگران، در مطالعات نوین زبان‌شناسی نقش فعال داشته باشند.